

# چالش امنیتی فرقه‌گرایی در نظام ولایی

هادی معصومی زارع

دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران. تهران. ایران.

mh.masomi@gmail.com

## چکیده

فرقه‌گرایی از جمله چالش‌هایی است که به شکل ویژه‌ای در دوران معاصر و در واکنش به بحران‌های اخلاقی و اجتماعی سر برآورده است و با پدید آوردن بحران‌های جدید، گریبان‌گیر بسیاری از جوامع شده است. فرقه‌ها با ساختار کنشگری ویژه خود، جزیره‌های متشتت ایمانی و هویتی را در بستر اجتماع ایجاد می‌کنند. این عمل بر پایه کنترل همه‌جانبه و شمول‌گرایانه تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی پیروان، شست‌وشوی مغزی (کنترل ذهنی) ایشان و درنهایت، برساختن چتر هویتی جدید مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌های فرقه صورت می‌گیرد. از طرفی، بافت نظام‌های کمال‌گرایانه ولایی به گونه‌ای است که دو عنصر باور ایمانی امت به منظومه ارزشی دینی و ارتباط مودت‌آمیز و عاشقانه میان ایشان و حاکم (ولی) ضامن ثبات و امنیت نظام خواهد بود؛ در نتیجه، هندسه امنیتی نظام‌های ولایی بر نوعی رابطه قلبی و ایمانی میان امام و مردم استوار شده است. در این بین، فرقه‌ها و جریان فرقه‌گرایی با کار بست کار ویژه‌ها و خصوصیات ذاتی خود سعی در تحقق مواردی دارند که عبارت‌اند از: ایجاد تشتت ایمانی و گسست هویتی در سطح جامعه، تخریب نظام باورمندی افراد به منظومه ارزشی

\* این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره دوم تحقیقات کاربردی علوم انسانی منتشر شده است.

حکومت ولایی و از بین بردن محبت قلبی ایشان به شخص ولی؛ در نتیجه، فرقه‌گرایی را می‌توان بنیادی‌ترین چالش امنیتی نظام ولایی و بسترساز خروجی‌های متکثر ضد امنیتی قلمداد کرد.

ازین‌رو، نظام ولایی با هدف تضمین ثبات و پایداری خود باید موضوع مقابله با فرقه‌گرایی را جدی بگیرد و مسئله مصونیت‌بخشی به افکار و قلوب مردم را به‌عنوان مهم‌ترین کارویژه امنیتی-ایمانی خود در نظر داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** فرقه‌گرایی، امنیت، نظام ولایی، چالش، کنترل ذهنی، هویت.

## ۱. مقدمه

فرقه‌گرایی<sup>۱</sup> از جمله پدیده‌هایی است که به‌ویژه در دو سده اخیر آثار و اقتضائات خاص خود را بر جوامع بشری تحمیل کرده است. هرچند تاریخچه پیدایش فرقه و فرقه‌گرایی به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد، مرور اجمالی تحولات مرتبط با آن گویای آن است که گرایش به فرقه‌ها در دوره معاصر روندی فزاینده به خود گرفته و افراد زیادی را گرفتار خویش کرده است.

صرف‌نظر از نیت‌ها و مقاصد پنهان و آشکار اربابان این فرقه‌ها، باید راز پیدایش متکثرانه و رشد فزاینده آنها را در نیاز فطری بشر به معنویت و ستایش عنوان کرد. به‌ویژه با رقم خوردن رنسانس و انقلاب صنعتی و گسترش رویکردهای فردگرایانه و اومانستی در مغرب‌زمین و بروز بحران‌های روحی و اجتماعی برآمده از ماشین‌ساز و زندگی بی‌روح صنعتی، رویش فرقه‌ها و نحله‌های مختلف سرعت شتابانی به خود گرفته است؛ به‌گونه‌ای که هم‌اکنون هزاران فرقه در سرتاسر جهان مشغول دعوت به آموزه‌های متضاد هستند و در این بین موفق شده‌اند میلیون‌ها نفر را به خود جذب کنند (Singer, 1994: p 5).

برای نمونه تنها در یک ارزیابی آماری در دهه ۱۹۹۰م. در ایالات متحده بین دو تا پنج میلیون نفر زمانی را به‌عنوان یک عضو و پیرو در یکی از هزاران فرقه موجود در این کشور گذرانده‌اند (Singer, 1994: p 338).

در این میان، کشورهای غیرغربی (از جمله ایران) نیز از موج فرقه‌گرایی در امان نبوده‌اند و ده‌ها فرقه و گروه فرقه‌ای همچون بهائیت، فراماسونری، فرقه‌های عرفانی نوظهور، شیطان‌پرستی و... در

1. Sectarianism/ cultism

آنها پدید آمده‌اند یا از کشورهای غربی به جغرافیای فرهنگی ایشان وارد شده است.

در یک نگاه کلی، وجه اشتراک بیشینه این گروه‌ها (اگر نه تمامی آنها) در ترویج مبانی فلسفی مدرنیته و ارزش‌های برآمده از آن همچون اباحه‌گرایی، سکولاریسم، نفی شریعت، تکثرگرایی دینی و... است؛ البته مخالفت پنهان و آشکار آنها با نظام سیاسی ولایی در ایران بر این ادعاها صحه می‌گذارد که این گروه‌ها به مراکز خاص ضددینی بیگانه وابسته‌اند و از مرکز فرماندهی تئوریک واحدی هدایت می‌شوند.

با تعمق در ماهیت، ساختار و سازوکار کنشگری این فرقه‌ها می‌توان ادعا کرد که به‌طور کلی کارویژه اساسی تمامی این فرقه‌ها به‌نوعی متزلزل‌کردن پازل امنیتی نظام سیاسی مبتنی بر شریعت در ایران و خروجی آنها ترویج آشوب باورهای نظری در راستای تضعیف بنیان‌های اعتقادی و ایمانی توده‌های باورمند است. چه آنکه \_ همان‌طور که خواهد آمد \_ نظام‌های سیاسی ایمان‌گرا و ولایی اساساً بر باورها و گرایش‌های ایمانی مردم استوار هستند و امنیت مطلوب و پایدار در چنین نظام‌هایی نیز در آمودشد میان رابطه مودت‌آمیز و عاشقانه «امت» و «ولی» تحقق می‌یابد.

ضرورت و اهمیت چنین پژوهشی بیش از هر چیز از لزوم فهم ماهیت مخاطره‌آمیز و ضدامنیتی فرقه‌گرایی برای یک جامعه ولایی ناشی می‌شود. چه آنکه به ادعای این تحقیق اساساً برای یک نظام سیاسی ولایی، هیچ چالش امنیتی نمی‌تواند همچون «گسست ایمانی» افراد از محوریت نظام قابل تصور باشد.

مهم‌ترین نکته در این زمینه آن است که تاکنون در پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه فرقه‌گرایی، نگاه مقایسه‌ای و تطبیقی به موضوع تعارض ساختاری فرقه‌گرایی و نظام ولایی، کیفیت آن و نحوه بازتولید ضدامنیتی فرقه‌ها در نظام ولایی صورت نگرفته است و صرفاً به برون‌دادهای ضدامنیتی فرقه‌گرایی همچون جاسوسی و وابستگی به غرب بسنده شده است.

هدف پژوهش حاضر، ضمن بررسی کیفیت تضاد ماهوی فرقه‌گرایی و نظام ولایی، پاسخ به این پرسش است که کیفیت تأثیربخشی ضدامنیتی فرقه‌گرایی بر ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه ولایی چگونه است؟

برای درک درست از این مسئله باید در ابتدا به تعریف واژه‌های چالش، نظام ولایی و فرقه پرداخت و سپس ماهیت فرقه‌گرایی را تبیین کرد. در ادامه با بررسی ساختار و آشنایی با سازوکار کنشگری این فرقه‌ها و با اشراف بر ماهیت و ساختار نظام ولایی، کیفیت امنیت‌زدایی فرقه‌ها در نظام سیاسی ولایی و آثار و تبعات ضدامنیتی فرقه‌باوری در این گونه نظام‌ها تبیین می‌شود.

## ۲. تعریف واژگان

### ۱-۲. چالش

چالش در لغت به معنای متعددی تعریف شده است: زد و خورد، جنگ و جدال، مباشرت، حمله و یورش، مانع و مشکل، آسیب و آفت، کشمکش، تناقض، تقابل یا تعارض، اختلاف و تهاوت رأی، دغدغه، مسئله، بحران، مشکل، معضل، اشکال و... (لغت‌نامه‌های دهخدا، معین و عمید (ذیل واژه)).

در پژوهش حاضر، واژه چالش در معنایی اعم از مشکلات و معضله‌های نظری و عملیاتی، بنیادین و روبنایی، داخلی و خارجی و محدود و گسترده استعمال شده است که در بازه‌های زمانی مختلف و در مقیاس‌های متفاوت قادر به کندسازی یا متوقف‌سازی حرکت متعادل جامعه است و از این رو، مستلزم چاره‌اندیشی و تدبیر است.

### ۲-۲. فرقه

برای فرقه تعاریف بسیار متعددی ذکر شده است. به‌عنوان نمونه قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره انعام می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» که در این آیه شریفه به فرقه‌فرقه‌کردن و ایجاد انشعابات در دین اشاره شده است. در هر صورت فرقه<sup>۱</sup> از لحاظ لغوی در دو معنای مختلف استفاده شده است؛ گاه در معنای قالب و سبک خاص حیات فردی و اجتماعی و مقوله‌ای نظری جلوه‌گر شده است و به شیوه زندگی<sup>۲</sup> رویکرد و گرایش خاص<sup>۳</sup>، فکر یا ایده خاصی<sup>۴</sup> اشاره دارد که از سوی افراد جامعه توجه فراوانی به آن شده است (Oxford Advanced Learner's Dictionary, 2006: P: 373).

گاه نیز با نزدیک شدن به معنای اصطلاحی مورد نظر این نوشتار به گروه‌ها و مجموعه‌هایی اشاره دارد که تحت چتر تئوریک خاصی گرد هم آمده‌اند و به‌گونه‌ای همسان عمل می‌کنند. درحقیقت، در این معنا فرقه به گروه‌های انسانی اشاره دارد که علاقه و وابستگی شدیدی به موضوع، شخص یا کار به‌خصوصی از خود نشان می‌دهند<sup>۵</sup> (Dictionary (Merriam Webster Online)).

1. Cult /Sect
2. a way of life
3. an attitude
4. an idea
5. a group of people showing intense devotion to a cause, person, or work.

اما در این نوشتار منظور از فرقه، خاص‌تر و محدودتر از معنای لغوی دوم است. چه آنکه در آن معنا، فرقه شامل تمامی گروه‌های مختلف انسانی (از جمله ادیان آسمانی) می‌شود. فرقه‌های موردنظر این نوشتار ویژگی‌های خاصی دارند که موجب می‌شود از دایره‌ عام معنای لغوی یادشده متمایز باشند و در نتیجه احکام ویژه‌ای بر آنها حمل شود.

با وجود اختلاف فرقه‌های موردنظر این نوشتار در اهداف، غایات، موضوع کنش و رفتار، میزان فراوانی پیروان، ظرفیت‌ها و پتانسیل الهام‌بخشی و تأثیرگذاری، بررسی ساختار کنشگری آنها بیانگر آن است که فرقه‌ها، مجموعه‌ها و گروه‌های منسجم و سازمان‌یافته‌ای هستند که ضمن داشتن رهبرانی کاریزماتیک، مستبد، خودگماشته،<sup>۱</sup> خودشیفته و با ادعای برعهده‌داشتن مأموریت‌های ویژه از ساختار تشکیلاتی بسته و تمامیت‌خواه<sup>۲</sup> پیروی می‌کنند (Leo Ryan, 1977: p 37401) که در آن با انجام فرایندهای مغزشویی<sup>۳</sup> و کنترل ذهنی<sup>۴</sup> روی پیروان، هویت پیشین ایشان منکوب می‌شود و بر پایه ارزش‌ها و آرمان‌های فرقه و اهداف و امیال رهبران آن لباس هویتی جدیدی بر تن آنها پوشانده می‌شود. از همین رهگذر نیز به کنترل همه‌جانبه و شمول‌گرایانه تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی پیروان دامن زده می‌شود (Singer, 2003: p 4-5).

با توضیحات یادشده و بررسی تطبیقی، مقارنه‌ای و تبارشناسانه فرقه‌ها می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اساساً فرقه‌ها به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، صرف‌نظر از جغرافیای پیدایش و فعالیتشان، ساختار کنشگری متناظری دارند و مجموع شرایط یادشده در تمامی آنها قابل رصد است؛ راز مشابهت ساختاری فرقه‌ها در غرب و شرق عالم به‌خوبی مؤید این مدعا است.

در هر صورت می‌توان مجموع فاکتورهای زیر را در پدیده‌ای به نام «فرقه» فهرست کرد:

- مجموعه یا گروهی منسجم و سازمان‌یافته با ساختار تشکیلاتی بسته و تمامیت‌خواه با سلسله‌مراتب کاملاً هرمی؛
- برخوردار از رهبرانی کاریزماتیک، مستبد، خودخوانده، خودشیفته و مدعی برعهده‌داشتن مأموریت‌های ویژه؛
- انبعاث هسته نظام ارزشی و ایدئولوژیکی فرقه از اندیشه‌ها، امیال و حتی نفسانیات

---

1. Self- appointed  
 2. Totalitarian  
 3. Brainwashing  
 4. Mind control/ Thought control

رهبران و مؤسسان فرقه؛

- محوریت فهم، دیدگاه‌ها، نظرات و حتی امیال رهبران و مؤسسان فرقه به‌عنوان تنها ضابطه و معیار سنجش و ارزش‌گذاری رفتار پیروان یا راهبردهای فرقه؛
- لزوم اطاعت بی‌چون‌وچرا و کورکورانه پیروان از رهبران فرقه؛
- ممنوعیت جریان آزاد اطلاعات درون فرقه و ممنوعیت تفکر آزاد؛
- کنترل همه‌جانبه و شمول‌گرایانه تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی پیروان؛
- انجام فرایندهای مغزشویی (کنترل ذهنی) روی پیروان با هدف منکوب‌سازی هویت پیشین ایشان؛
- برساختن چتر هویتی جدید مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌های فرقه برای پیروان.

## ۲-۳. نظام ولایی

مراد از نظام ولایی در پژوهش حاضر نوعی از نظام سیاسی مبتنی بر فقه شیعی است که در آن رابطه ایمانی و قلبی میان مردم و مرکزیت محور سیاسی (ولی)، نقش پیشینی و راهبردی تری نسبت به ساختارها و دستگاه‌های رسمی سیاسی در پیشبرد اهداف نظام ایفا می‌کند. بافت این نظام سیاسی را دوگانه منظومه ارزشی تغذیه‌کننده نظام، و ایمان و گرایش قلبی امت به هسته راهبری نظام و راهبردهای وی (منبعث از منظومه ارزشی یادشده) تشکیل می‌دهد. مدعای تحقیق آن است که در میان تمامی نظام‌های سیاسی رایج در سطح دنیا، تنها مدل حاکمیتی جمهوری اسلامی این ویژگی‌ها و شاخصه‌ها را دارد.

## ۳. ساختار و سازوکار کنش فرقه‌ها

بنابر تعریف ماهیت فرقه، جدای از توده‌های گرونده به آن، هر فرقه‌ای از سه رکن تشکیل شده است: رهبری، ساختار تعامل رهبران و پیروان و فرایند بازسازی فکری و جعل هویت‌های فردی و اجتماعی جدید برای پیروان. در حقیقت فرقه‌ها بر پایه این سه رکن به حیات خویش ادامه داده و دامنه فعالیت خود را بسط می‌دهند (Singer, Ibid: p 7).

رهبران در این فرقه‌ها افرادی هستند که در درجه اول مبدع آن هستند یا ازسوی مؤسس اولیه آن اجازه و تأییدیه خاص دارند (Singer, Ibid: p 8). این افراد که عمدتاً جذب و کشش خاصی دارند، مدعی داشتن ویژگی‌های خارق‌العاده روحی و معنوی هستند و خود را داعیه‌دار تحقق

مأموریت‌های خطیری معرفی می‌کنند که از دید ایشان از سوی نیروهای غیبی یا موجوداتی ماورایی به آنها الهام شده است (Gallagher, 2004: p 221). درست در مقابل ادیان توحیدی که در آنها «خداوند» به‌عنوان محور ستایش و پرستش تعریف شده است، در فرقه‌ها تنها شخص رهبر و ایده‌های او محور ستایش قرار می‌گیرد و بر عشق و وفاداری بی‌چون و چرا به وی تأکید می‌شود (Burke, 2011: p 143).

ساختار تشکیلاتی این فرقه‌ها نیز به‌گونه‌ای طراحی شده است که در آن تمامی امور حیات فردی و اجتماعی اعضای فرقه به سلسله‌جنبان گروه (رهبر کاریزما) باز می‌گردد؛ به بیان دیگر، در رأس ساختار خودکامه و دیکتاتورمآبانه این گروه‌ها، رهبر فرقه (به‌مثابه عالی‌ترین شخص) می‌کوشد تا با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف روان‌شناختی خود را به‌عنوان مرجع نهایی تصمیم‌گیری در خصوص روابط درون و برون فرقه‌ای اعضا تثبیت کند (Gallagher, 2004: p 221).

در این میان ساختار بسته فرقه به تحکیم پیوندهای درون فرقه‌ای و رفتارهای فرقه‌گرایانه پیروان دامن می‌زند و ضمن جداسازی ایشان از تعاملات روزمره اجتماعی و حتی خانوادگی، روزبه‌روز بر انزوای اجتماعی آنها می‌افزاید (Gwen Lopitz, 2011: P 110; Jones, 2008: p 75)؛ این سیاست با هدف زمینه‌سازی برای مسخ هویتی و درنهایت بالابردن ضریب آسیب‌پذیری روحی و روانی پیروان صورت می‌پذیرد.

حتی در فرض اصالت‌نبخشیدن به جامعه، فرایند جامعه‌پذیری انسان‌ها و کسب هویت‌های اجتماعی در بستر جامعه امری انکارنشده است. اساساً از طریق همین فرایند نیز انسان‌ها شیوه تعامل با نظام‌های سیاسی، چگونگی مشارکت سیاسی و نحوه نقش‌آفرینی اجتماعی را می‌آموزند (Rush, 1992: p 92).

فرقه‌ها با درک این نکته می‌کوشند تا هویت اجتماعی سابق افراد را مسخ و نسخ کنند و هویت جدیدی مطابق با ارزش‌ها و آموزه‌های فرقه‌ای برای آنها جعل کنند. این مرحله که با واردکردن پیروان به مرحله بازسازی فکری<sup>۱</sup> آغاز می‌شود، درنهایت منجر به برهم‌خوردن تعادل اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود.

در این مرحله رهبران فرقه می‌کوشند تا با استفاده از تکنیک‌های خاص روان‌شناختی، فرایند بازسازی فکری و ایمانی قربانیان خود و کنترل ذهنی ایشان را رقم بزنند؛ این تکنیک‌ها عبارت‌اند

## 1. Thought Reform

از: ایجاد فاصله قلبی و روحی و حتی فیزیکی میان طعمه‌های خود با نزدیکان، خویشان و دوستان سابق، منزوی کردن وی از تمامی گروه‌های اجتماعی، کنترل منابع اطلاعاتی و دریافت نظری پیروان، تلقین ارزش‌های فرقه به خودآگاه و ناخودآگاه روان وی، ایجاد حالت وابستگی اعضا به فرقه، تشویق افراد به عشق بی‌قید و شرط به رهبر کاریزماتیک فرقه و پذیرش او، منکوب‌سازی رفتارها و گرایش‌های قبلی اعضا، شکل‌دهی و معرفی سبک رفتاری جدید به پیروان (Singer, 2003: pp 182-212; Wade & Tavris, 2000: pp 275-281).

در این فرایند آنچه بیش از همه مورد عنایت و تأکید اربابان قرار می‌گیرد، تعهد و التزام جوانحی و جوارحی افراد به آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع فرقه است. مکانیسم‌های بازتربیتی و بازسازی ادراکی تعریف‌شده از سوی مغز متفکر فرقه، با بهره‌مندی از کارویژه‌های «گریز از مرکز»، در راستای برساختن هویت‌های جدید برای پیروان، ایشان را به گونه‌ای بار می‌آورد که به کلی از علایق و دلبستگی‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی خود فاصله می‌گیرند و زندگی جدیدی را براساس اولویت‌بخشی و ترجیح ارزش‌های فرقه‌ای و گروهکی و وابستگی تمام‌عیار به این منظومه ارزشی آغاز کنند.

این مکانیسم درحقیقت با نفی و تردیدانگاری در اصالت و اعتبار هنجارها و نُرم‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع، به گونه‌ای خزنده، اعضای فرقه را به عصیان و شورش پنهان یا آشکار علیه بنیان‌های نظری فرهنگ رایج جامعه و ارزش‌های اجتماعی دعوت می‌کند و حتی به برنامه‌ریزی‌های بلندپروازانه با هدف سرنگونی دولت‌ها رهنمون می‌شود و بر لزوم ایجاد تغییرات اساسی در اندیشه و سبک زندگی آدمیان تأکید می‌کند (Saliba, 2003: pp 34-35).

در نهایت نیز با وابستگی تام پیروان فرقه به مرکزیت نظری و معنوی فرقه، بازسازی فکری افراد وارد مرحله جدیدی می‌شود که در آن نهادهای مرجع اجتماعی از نهادهایی چون خانواده، عبادتگاه‌ها، هیئت‌ها، و نیز نهادهای رسمی جامعه به رهبری فرقه و ارزش‌های ارائه‌شده از سوی او تغییر می‌کند و مسخ هویتی و هویت‌بخشی جدید به پیروان در پرتوی نهادهای جعلی فرقه با رویکرد نفی خشونت‌بار اکثریت جامعه و تکفیر نفرت‌آمیز غیرمؤمنان به فرقه در اذهان و قلوب ایشان نهادینه می‌شود (Lewis, 2011: p 35).

#### ۴. ساختار نظام ولایی

اساساً در تمامی نظام‌های سیاسی رایج در دنیا رابطه میان حاکم و رعیت بر مبنای چهارچوبی صرفاً



حقوقی (اعم از حقوق یک‌سویه یا دوسویه) تعریف شده است و از استلزام گرایش‌های ایمانی و قلبی میان دو طرف حکومت (حاکم و مردم) فارغ است.

در حقیقت در فرهنگ سیاسی مدرن غربی، عموماً تکیه حاکم بر اقتدار برآمده از مشروعیت قانونی حاصل از غلبه نظامی یا اراده مردمی است. حتی در فرض دوم نیز که مردم خود دست به انتخاب حاکم می‌زنند، چنین مشروعیتی مستلزم هیچ نوع رابطه مودت‌آمیز و عاطفی میان دو طرف حکومت نیست؛ بلکه عموماً با رویکردی وظیفه‌گرایانه (نه کمال‌گرایانه) صرفاً به دنبال رسیدگی به امور از طریق ماشین‌پیم پیچیده<sup>۱</sup> و ساختارهای بی‌روح قانونی و رسمی حاکمیتی و بوروکراسی‌های خشک سازمانی است (Dowdle, 2006: pp 77-78). چه آنکه با غلبه نگاه پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه، مسئله سعادت غایی بشر و حیات ایمانی وی و اساساً مقولاتی همچون فضیلت، سعادت، ارزش، اخلاق‌گرایی، کمال‌گرایی و... به نحو تخصصی از حوزه مأموریت و کارویژه‌های فلسفه سیاسی مدرن و نظام‌های سیاسی برآمده از آن خارج شده است (Leo, 1959: pp 19 & 41; Berkowitz, 1999: p 4) و مؤلفه‌هایی چون آزادی‌های شخصی، رفاه‌طلبی، فایده‌گرایی، توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی و... جایگزین آن شده است (Michael & Chin Liew Ten, 2010. P:310).

در این بین حتی در نظام سیاسی سعادت‌محور و غایت‌محور افلاطونی که به درستی بر تأمین سعادت حقیقی بشر و انسان‌ها در بستر اجتماع تأکید کرده است و مهم‌ترین وظیفه و کارویژه حاکمیت را تحقق فضیلت عدالت و سعادت‌مندی شهروندان می‌داند، باز مسئله محبت و رابطه معنوی حاکم و مردم مغفول واقع شده است و به جای اصالت‌بخشی به ضمانت اجرایی عاطفی و قلبی حکومت‌ورزی، بر قدرت اسلحه‌طبقه پاسداران در پیشبرد اهداف نظام سیاسی فیلسوفان و تضمین اطاعت‌پذیری قاعده هرم سیاسی از رأس هرم تکیه می‌کند (افلاطون، ۱۳۸۶: صص ۲۳۰-۲۲۹).

درست در نقطه مقابل، در حکومت ولایی مورد نظر اسلام، زیربنای سیاست و حکومت‌گری را «محبت» و رابطه مودت‌آمیز مردم و حاکم شکل می‌دهد. چه آنکه از اساس، اصول و بنیان‌های دین اسلام بر پایه محبت استوار شده است (سید رضی، ۱۳۸۹: ص ۴۴۲).<sup>۲</sup> همچنین، در روایات دینی، دین به محبت و محبت به دین بازتعریف شده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص

1. complex machinery

۲. «علی (ع): ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ... أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّةٍ».

۵۰۲؛<sup>۱</sup> نیز بر یگانگی دین و محبت تأکید فراوان شده است (همان: ج ۳، ص ۳۹۵).<sup>۲</sup>

فلاسفه و عرفای اسلامی نیز با تأثیرپذیری از منظومه ارزشی دینی بر نقش بنیادین محبت در نظام آفرینش و نظام سیاسی تأکید کرده‌اند و آن را امری فطری و زیرساخت ارتباطات اجتماعی و مقدم بر عدالت عنوان می‌کنند. فراتر از آن گروهی دیگر از ایشان ضمن برقراری التزام میان کمال انسانی و اجتماع و تألف، تحقق چنین اجتماع و جامعه انسانی را بدون محبت ناممکن قلمداد کرده‌اند و محبت را زیربنای پیدایش جوامع بشری معرفی می‌کنند (طوسی، ۱۳۵۶: صص ۲۵۸-۲۵۹؛ دوانی، ۱۳۹۱: ص ۲۲۵).

همچنین، ایشان محبت را شریف‌ترین غایات اهل مدینه فاضله دانسته‌اند (ابن مسکویه رازی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۹) و خلق مناسبات محبت‌محورانه میان حاکم و مردم را از مهم‌ترین کارویژه‌های حاکم مدینه فاضله برمی‌شمارند (همان: صص ۱۷۹ و ۱۹۱؛ شمس‌الدین آملی، ۱۳۸۱: ص ۴۱۱). عرفا و فلاسفه اسلامی نیز به نوبه خود در حوزه‌ای فراتر از مدینه و حاکمیت اسلامی از محبت سخن به میان آورده‌اند و آن را عامل پیدایش خلقت (زیربنایی‌ترین رکن هستی‌شناسی) و ساری و جاری در نظام خلقت بیان کرده‌اند (محمی‌الدین عربی، ۱۴۰۰ق: ص ۲۰۳؛<sup>۳</sup> همو، ۱۴۱۲ق: صص ۱۳ و ۳۰؛<sup>۴</sup> عراقی، ۱۳۶۳: ص ۶۸؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۰ق: ص ۳۷۵)<sup>۵</sup> و محبت را به‌عنوان مصدر و منبع انقیاد نسبت به موجود برتر و کامل‌تر تعریف می‌کنند (سهروردی، ۱۳۸۰: صص ۱۳۷-۱۳۶).<sup>۶</sup>

دیدگاه عرفا و فلاسفه اسلامی در حقیقت از هندسه ارزشی اسلامی مشروب شده است که مطابق آن از حیث آفرینش برای همه انسان‌ها ارزش ذاتی برابری قائل است و آنها را از حیث نوع خلقت مکرم پنداشته است<sup>۷</sup> (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳: صص ۱۵۹-۱۵۶) و فضیلت و ارزش

۱. «قال الباقر (ع): أَلَدِّينَ هُوَ الْحُبِّ وَ الْحُبِّ هُوَ الدِّينَ».

۲. «قال الصادق (ع): هَلْ الدِّينَ إِلَّا الْحُبُّ».

۳. وَ كَانَتْ الْحَرَكَةُ الَّتِي هِيَ وَجُودَ الْعَالَمِ، حَرَكَةُ حُبٍّ...

۴. «فَكَانَ الْحُبُّ أَصْلَ سَبَبِ وَجُودِ الْعَالَمِ... فَالْمُحِبَّةُ مَقَامُهَا شَرِيفٌ وَ هِيَ أَصْلُ الْوُجُودِ... ثُمَّ أَنْ مِنْ كَرَمِهِ سُبْحَانَهُ أَنْ جَعَلَ هَذِهِ الْحَقِيقَةَ [مُحِبَّةً] سَارِيَةً فِي كُلِّ عَيْنٍ مُمَكِّنٌ مُتَّصِفٌ بِالْوُجُودِ...».

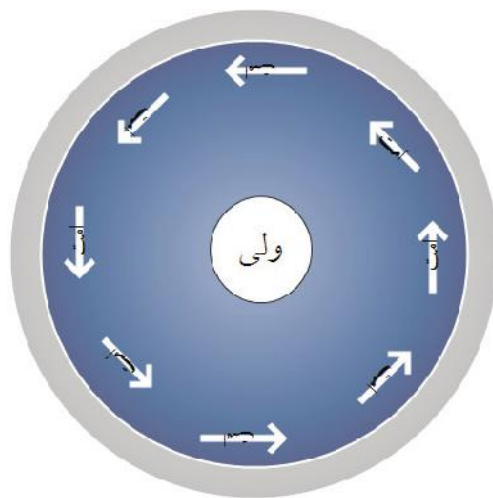
۵. «فَبَيِّنْ أَنْ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْمَوْجُودَاتِ الْمُدْبِرَةَ شَوْقاً طَبِيعِيّاً وَ عَشْقاً غَرِيزِيّاً وَ يَلْزَمُ ضَرُورَةً أَنْ يَكُونَ الْعَشَقُ فِي هَذِهِ الْأَشْيَاءِ سَبَباً لِلْوُجُودِ لَهَا...».

۶. «وَ الْمَحِبَّةُ مَعْنَاهَا الْإِنْقِيَادُ لِلْأَكْمَلِ... فَاتَنْظِمِ الْوُجُودَ كُلَّهُ مِنَ الْمَحِبَّةِ وَ الْقَهْرِ...».

۷. «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (إسراء: ۷۰).

عارضی انسان‌ها را در گروهی تقوای درونی و عمل به ارزش‌های دینی و الهی بیان می‌کند.<sup>۱</sup> در نتیجه همه انسان‌ها (فارغ از نژاد، رنگ، زبان، طبقه و...) به واسطه بهره‌مندی از قوه عاقله و حق انتخاب، مخاطب زبان هدایتگر و معرفت‌بخش دینی به‌شمار می‌آیند و در نتیجه حاکم مسلمان باید با ایشان در رابطه‌ای پدرانانه، دلسوزانه و مودت‌آمیز به‌سر ببرد.<sup>۲</sup>

به بیان دیگر، نظام سیاسی اسلام برخلاف نظام افلاطونی، نه هر می، که نظامی مستدیری است که در آن رهبری نظام همچون محور سنگ آسیاب در مرکزیت قرار گرفته است (سید رضی، ۱۳۸۹: ص ۵۸)<sup>۳</sup> و اهالی مدینه دینی (امت) نیز از روی اختیار و با رغبت و میل شخصی و برخاسته از اقتناع ایمانی و درونی خود، پروانه‌وار و دایره‌وار گرد حاکم خود به چرخش درمی‌آیند و رابطه‌ای دوسویه را شکل می‌دهند. حاکمی که همچون نقطه پرگار عشق، شعاع‌های فیض و محبت الهی را بسان امواجی بی‌وقفه به اهل مدینه جاری و ساری می‌کند (قاضی‌زاده کرمانی، ۱۳۷۶: ص ۳۷۵).



شکل ۱. نظام سیاسی مستدیری اسلامی

در نتیجه در حکومت ولایی با وجود توجه وافر به الزام حقوقی و بیرونی (همچون حدود،

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (حجرات: ۱۳).

۲. «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)؛ «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۲)؛ «وَ أَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۲۱۵)؛ «وَلَقَدْ أَحْسَنْتَ جَوَارِكُمْ وَ أَحْطَطْتَ بِجَهْدِي مِنْ وَرَائِكُمْ...» (سید رضی: خطبه ۱۵۸)؛ و نامه به مالک اشتر: «وَ اشعر قلبك الرَّحْمَه لِلرَّعِيَه وَ المحبَه لَهُمْ، وَاللُّطْف بِهِمْ...».

۳. «ان مَحَلِّي مِنْهَا [الْخِلَافَةُ] مَحَل الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى».

تعزیرات و...)، به جای تکیه بر الزام بیرونی و حقوقی و اصالت‌بخشی به آن، بر اقتناع درونی افراد امت و رغبت باطنی ایشان به حکومت ولی و کارویژه‌های حکومت دینی و رابطه برادرانه و محبت‌آمیز میان طرفین حکومت (ولی و امت) تأکید می‌شود. در چنین نظامی «عشق» و «محبت» به‌مثابه عامل پیوندزنده جامعه ایمانی عمل می‌کند (فارابی، ۱۳۶۴: ص ۷۰).<sup>۱</sup>

این محبت موجب همیاری ایشان برای رسیدن به سعادت و نیز گردن‌نهادن عاشقانه به ریاست ولی امت خواهد شد؛ چه آنکه رابطه ایشان نیز بر پایه محبت است. در حالی که عدالت و روابط عدالت‌محورانه ضامن بقا و ثبات جامعه ایمانی و اعضای آن است؛ محبت عامل ائتلاف و ارتباط میان ایشان به‌شمار می‌آید (همان).<sup>۲</sup>

ابتنای اصولی و جوهری نظام ولایی بر چنین سازوکاری موجب شده است تا گرایش قلبی و ایمانی امت، عمده‌ترین بنیان امنیتی نظام، و گرایش‌های گریز از مرکز به‌مثابه بنیادی‌ترین چالش امنیتی نظام قلمداد شوند؛ به بیان دیگر، در این نوع از نظام‌های سیاسی، نفس زاویه‌گرفتن از مرکز هدایت‌بخشی، خلأ و چالشی امنیتی به‌وجود می‌آورد که می‌تواند منجر به سایر آسیب‌های امنیتی و اجتماعی شود. در چنین نظام‌هایی هرگز نمی‌توان مدعی دوگانگی و تمایز حوزه‌های گرایش و رفتار شد. یعنی نمی‌توان قائل به تفکیک میان دو ساحت ایمان و عمل شد و ادعا کرد که می‌توان در گرایش‌های ایمانی و قلبی با هسته مرکزی نظام مخالفت داشت و در حوزه عملی با آن همراهی کرد. این ویژگی انحصاری این‌گونه از نظام‌های سیاسی است که در آن علقه‌های ایمانی و روحی افراد جامعه، پایه و بنیان هر نوع سازوکار امنیتی به‌شمار می‌آید.

روشن است که این مسئله به معنای نفی آزادی افراد جامعه نیست و در نظام‌های ولایی نیز افراد در چهارچوب عقل و شرع مخیر به تعیین سرنوشت خویش هستند و در این خصوص هر نوع تحمیلی مردود به حساب می‌آید؛ سخن در این است که با تحفظ به آزادی اندیشه و حتی آزادی انتقاد در جامعه دینی (نهج البلاغه، ۱۳۸۹: ص ۴۷۶)<sup>۳</sup> زاویه‌گرفتن ایمانی و قلبی از مرکز هدایت‌بخشی این‌گونه از نظام سیاسی، نه تنها موجد خلأها و آسیب‌های امنیتی گوناگون خواهد

۱. «أجزاء المدينة و مراتب أجزائها يأتلف بعضها مع بعض و ترتبط بالمحبة...».

۲. «أجزاء المدينة و مراتب أجزائها يأتلف بعضها مع بعض و ترتبط بالمحبة و تتماسك و تبقى محفوظة بالعدل و أفاعيل العدل...».

۳. «فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلِ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ، وَلَا أَمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي، إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي...».

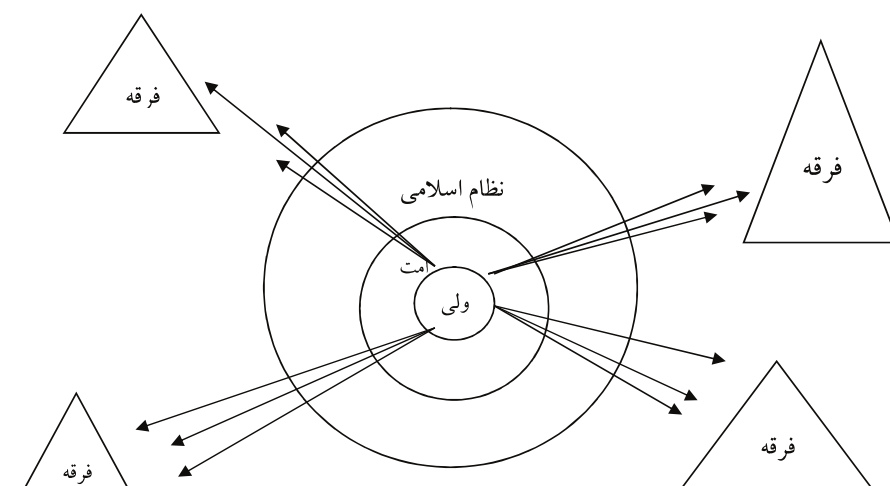
شد که خود اساس امنیت‌زدایی از نظام ولایی خواهد بود.

## ۵. کیفیت چالش‌سازی امنیت فرقه‌ها در نظام ولایی

برای بررسی کیفیت چالش‌سازی فرقه‌گرایی در نظام ولایی باید میان برون‌دادهای ضدامنیتی و بنیان‌های ضدامنیتی فرق گذاشت. درحقیقت، چالش‌های امنیتی در دو دسته (بنیان‌ها و مؤلفه‌ها) دسته‌بندی می‌شوند. دسته اول موجد و اساس پدیدآمدن گروه دوم خواهد شد.

برون‌دادهای ضدامنیتی فرقه‌ها در حوزه فرقه‌گرایی مواردی مانند ساخت و اشاعه آشوب باورها و رویکردهای نظری موجد آنها (سکولاریسم، تکثرگرایی، شریعت‌گریزی، اباحه‌گری، لیبرالیسم، تکفیرگرایی و...)، عمق‌بخشی به شکاف‌های اجتماعی، کاهش غیرت دینی، ملی و ناموسی به علایق فرقه‌ای، سلطه‌پذیری ازسوی سرویس‌های امنیتی خارجی، انجام عملیات‌های جاسوسی، خراب‌کارانه و تروریستی، ترویج اباحه‌گرایی و اشاعه مصادیق ضدآرزش‌ها (منکرات و فحشا)، مشارکت در آشوب‌های خیابانی ضدحاکمیتی و... هستند که نباید این قبیل مؤلفه‌های ضدامنیتی را به‌عنوان بنیاد ضدامنیتی فرقه‌گرایی تلقی کرد.

در این میان کارویژه ضدامنیتی بنیادین فرقه‌ها در ایجاد گسست‌های متکثر اجتماعی و ایمانی و برساختن جزیره‌های متضاد هویتی در ساحت اجتماع نهفته است که ضمن زمینه‌سازی برای ساخت و تثبیت بحران‌های امنیتی متفاوت (دسته دوم چالش‌های امنیتی) با رویکرد گریز از مرکزی، بنیان امنیتی نظام ولایی یعنی رابطه مودت‌آمیز و عاشقانه میان ولی و مردم را هدف گرفته است و سعی در متزلزل‌سازی آن دارد.



نمودار ۱. کارویژه «گریز از مرکز» فرقه‌ها

تفاوت چالش‌سازی امنیتی فرقه‌ها در نظام‌های عرفی با نظام‌های ولایی از این جهت است که در نظام‌های عرفی فرقه‌ها می‌توانند موجب ایجاد چالش‌ها و آسیب‌های امنیتی در نظام سیاسی و نیز اجتماعی (برون‌دادهای ضدامنیتی) شوند. به‌عنوان نمونه قتل عام‌ها و خودکشی‌های دسته‌جمعی، حمله به مراکز عمومی و دولتی، تلاش برای ایجاد نوعی هرج و مرج، ترویج سکس و مواد مخدر، تجاوز جنسی، ترغیب به سرقت و دزدی، ترویج نفرت به غیرمؤمنان به فرقه، فروپاشی کیان خانواده و... از جمله اقدامات ضدامنیتی این فرقه‌ها در دهه‌های اخیر در کشورهای غربی بوده است.

(Kushner, 1991: p 193 & Snow, 2003: p 28)

خودکشی دسته‌جمعی ۹۱۲ نفر از پیروان جیم جونز<sup>۱</sup> در جنگل گویانای<sup>۲</sup> ایالات متحده در نوامبر ۱۹۷۸م (Kushner, 1991: P 193) و نیز ماجرای مسموم کردن منابع آبی شهر دالاس در سال ۱۹۸۴م. توسط فرقه راجنیش<sup>۳</sup> با ماده سمی سالمونلا تیفی<sup>۴</sup> که به مسمومیت صدها تن منجر شد (Swearengen, 2006: p 9) تنها دو نمونه از فعالیت‌های ضدامنیتی فرقه‌ها در جهان غرب به‌شمار می‌آیند.

درمقابل، در نظام‌های ولایی، نفس‌پیدایش فرقه نوعی چالش (و حتی بنیادی‌ترین چالش) امنیتی به حساب می‌آید و این مسئله خود ناشی از سرشت نظام ولایی (ابتنای بر ایمان عقلانیت‌محور توده‌ها) است.

می‌توان از دو جنبه بر این مسئله استدلال کرد؛ ماهیت احکام شریعت و ساختار قوانین فردی و اجتماعی اسلام و توطئه‌های تحمیل‌شده از داخل و خارج نظام غایت‌گرای ولایی دو دلیل عمده اهمیت تحکیم تعهد ایمانی امت به منظومه ارزشی دینی است. این دو دلیل ضرورت تقویت حلقه مودت‌آمیز و محبت‌محورانه میان امت و ولی را نمایان می‌کند و بیانگر تأثیر منفی تضعیف آن در سامان سیاسی و اجتماعی جامعه ولایی است.

به‌عنوان نمونه در حوزه ساختار قوانین دینی، بررسی مصداقی و ارزیابی موردی برخی از مؤلفه‌های برآمده از نوع ساختار نظام ولایی و سرشت قوانین دینی می‌تواند به‌خوبی مؤید این مسئله باشد. از جمله مؤلفه‌هایی که خاص نظام‌های فضیلت‌محور و کمال‌گرایی چون نظام ولایی

1. Jim Jones
2. Guyana
3. Rajneesh
4. Salmonella typhi

است مواردی هستند که در ادامه می‌آیند و در نظام‌های عرفی یا مطرح نیست یا تحققشان مستلزم همراهی ایمانی و عاشقانه شهروندان نخواهد بود: وجوب کفایی جهاد و دفاع (امنیت نظامی)، مسئله احکام مالی مانند وجوهات و مالیات‌های اسلامی (خمس، زکات، خراج و...)، تحریم‌های خارجی، اقتصاد جنگ و اقتصاد مقاومتی و... (امنیت اقتصادی)، موضوع مشارکت سیاسی در عرصه‌های مختلف (امنیت سیاسی)، اهمیت پایبندی به هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شرع همچون مسئله حجاب و عفاف و... (امنیت فرهنگی)، نقش و کارویژه نظام ولایی در دو بُعدی دیدن انسان و تلاش برای تأمین سعادت نهایی بشر که مستلزم چشم‌پوشی افراد جامعه از پاره‌ای از لذایذ غریزی و وضع قوانین به ظاهر محدودیت‌آور است (امنیت جوارحی و جوانحی) و موضوع کیفیت نقش‌آفرینی نظام ولایی در عرصه‌های بین‌المللی همچون تلاش برای برهم‌زدن نظم موجود جهانی با هدف تأمین منافع مستضعفین و مبارزه با مستکبرین که به فشارها و تهدیدات خارجی فرسایشی و چالش‌آفرین خواهد انجامید (امنیت خارجی).

واقعیت آن است که بدون همراهی قلبی و حمایت عملی توده‌های ایمانی که برآمده از اقتناع درونی ایشان باشد، تحقق‌بخشیدن به منظومه فقهی-اخلاقی موردنظر اسلام در عرصه اجتماعی ممکن نیست. چراکه جدای از احکام اخلاقی اسلام، حتی بسیاری از احکام فقهی نیز در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی همچون جهاد، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و... ضمانت اجرایی حقوقی و حاکمیتی چندانی ندارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷: ص ۳۳) بلکه عموماً در درجه اول به حوزه اقتناع و خودکنشی مکلفان واگذار شده‌اند (سید رضی، ۱۳۸۹: ص ۶۰۲) و تنها در فرض بر زمین ماندن این قبیل امور و توجه ناکافی به آنها از سوی مکلفان به گونه‌ای که مصالح امت اسلامی در خطر افتد، از قوه قاهره برای تحقق‌بخشیدن به آنها بهره برده می‌شود. چه آنکه در منظومه تفکر سیاسی اسلام، اقتناع (الزام درونی) سیاسی بر اجبار (الزام بیرونی) سیاسی مقدم است و اصالت دارد.

برای نمونه بهره‌گیری از قوه قاهره جهت ممانعت از کشف حجاب، تنها زمانی پاسخ‌گو و کارآمد خواهد بود که بخش اعظم زنان جامعه، به‌طور درونی (و نه به‌واسطه ترس از مجازات) از مطلوبیت و بایستگی حجاب و عفاف اقتناع شده باشند و مطابق آن اقدام کنند؛ در غیر این صورت

۱. «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لَا، فَلَا تَرَجِعْهُ وَ إِنْ أَنْعَمَ لَكَ مِنْعٌ فَانْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَخْفِيَهُ أَوْ تُوعِدَهُ أَوْ تَعْسِفَهُ أَوْ تَرْهَقَهُ. فَخُذْ مَا عَطَاكَ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ».

و در فرض اکثریت یافتن اباحه‌گرایان، عملاً امکان برخورد قاهرانه و جبرآمیز با ایشان کم‌رنگ خواهد شد.

همچنین، موضوع جهاد و مبارزه با طاغوت با اهداف و مؤلفه‌های خاص خود از جمله مسائلی است که تنها در نظام ولایی اسلام موضوعیت پیدا می‌کند. سؤال آن است که آیا می‌توان با تکیه بر ضمانت اجرای الزام‌آور بیرونی و قوه قاهره و بدون توجه به اقتناع درونی مؤمنان، اقدام به ارتش‌سازی و آماده‌سازی لشکرهای جنگی کرد؟ به‌طور قطع با بی‌توجهی به قانع‌سازی و درونی‌سازی مؤلفه‌هایی چون ایثار، شهادت، پاداش اخروی و...، نمی‌توان تشکیل ارتشی جهادی را با هدف بسط ارزش‌های الهی تصور کرد. روشن است که تکیه بر اجبار بیرونی افراد برای ساختن چنین ارتشی عملاً شدنی نیست. چراکه اساس چنین ارتشی برآمده از ایمان به ارزش‌های معنوی و آموزه‌های غیبی است که هر دو از مقوله‌های درونی و اقناعی هستند.

تبلور اجتماعی دیگر موارد فقهی و اخلاقی همچون ممنوعیت روزه‌خواری، پابندی به روابط جنسی مشروع، پابندی داوطلبانه و ایثارگرایانه به پرداخت کامل مالیات‌های دینی و... همگی در فرض تعهد قلبی و عملی اکثریت قاطع افراد جامعه ایمانی قابل تصور است.

ازسوی دیگر، کارویژه‌ها و مأموریت‌های حکومت ولایی در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که طبیعتاً موجب پدیدآمدن دشمنی‌هایی با آن در داخل و خارج از قلمروی جغرافیایی خود خواهد شد. مبارزه با ظلم و ستم استکبارگرایان،<sup>۱</sup> عدالت‌خواهی، حمایتگری از مستضعفان و مظلومان<sup>۲</sup> و درنهایت، مبارزه با شرک و کفر در حوزه خارجی و بین‌المللی<sup>۳</sup> و مقابله با اندیشه‌ها و گروه‌های «ضاله» و تحدید آزادی غرایز انسانی در جغرافیای داخلی حاکمیت نظام ولایی همگی منجر به برانگیختگی دشمنی‌ها و دسیسه‌ها علیه نظام ولایی خواهد شد؛ ازین‌رو، انسجام درونی در این قبیل نظام‌ها در مقایسه با نظام‌های عرفی اولویت بیشتری دارد.

با توجه به آنچه آمد باید گفت تأمین امنیت (نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ایمانی و...) در نظام ولایی و بقا و ثبات سیاسی این‌گونه نظام‌ها، تنها با همراهی مردم و تعهد ایمانی و عملی ایشان به منظومه سه‌گانه ارزشی اسلامی (عقاید، احکام و اخلاق) امکان‌پذیر خواهد بود.

۱. «إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه: ۲۴).

۲. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵).

۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ...» (توبه: ۷۳).



در نتیجه، تربیت ایمانی و همسوسازی قلبی توده‌های مردم با آموزه‌های وحیانی (اعم از آموزه‌های مرتبط با حوزه اجتماعی یا فردی) را باید اساسی‌ترین و برجسته‌ترین کارویژه حکومت دینی برشمرد. در غیر این صورت با پراکندگی افراد از مرکزیت و محوریت نظام ولایی (ولی)، به‌طور حتم ثبات سیاسی و موجودیت حکومت ولایی به مخاطره می‌افتد و از آنجا که قوه قاهره نمی‌تواند در درازمدت ابزاری کارآمد و مؤثر در حفظ و بقای این حکومت‌ها باشد؛ بنابراین، در ابتدای امر کارآمدی و درنهایت، عمر سیاسی نظام رو به کاهش و نقصان می‌گذارد.

ضرورت مقابله با فرقه‌ها و نقش مخرب ایشان در گسستن حلقه‌های محبت و مودت میان مردم و ولی، درست از همین رهگذر قابل فهم و بررسی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

۱. فرقه‌گرایی از جمله چالش‌های پیش روی تمامی جوامع بشری است که در فضای دوران مدرن و پسامدرن و غلبه بحران‌های اخلاقی و معنوی در سطح جهان و به‌ویژه کشورهای غربی آهنگ شتابان‌تری به خود گرفته و حتی جوامع غربی را نیز با چالش‌های خطرناکی مواجه کرده است.

۲. مراد از فرقه اعم از اصطلاح رایج در علم کلام و سیاست، گروهی سازمان‌یافته با رهبرانی کاریزماتیک، مستبد، خودگماشته، خودشیفته و مدعی برعهده‌داشتن مأموریت‌های ویژه است که از ساختار تشکیلاتی بسته و تمامیت‌خواه پیروی می‌کنند که در آن با انجام فرایندهای مغزشویی و کنترل ذهنی روی پیروان، هویت پیشین افراد منکوب می‌شود و لباس هویتی جدید ارزش‌ها و آرمان‌های فرقه و اهداف و امیال رهبران آن بر تن ایشان پوشانده می‌شود؛ از همین رهگذر نیز تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی پیروان، همه‌جانبه و شمول‌گرایانه کنترل می‌شود.

۳. بافت نظام ولایی به‌گونه‌ای است که پایبندی امت و مردم به منظومه ارزشی دینی و پایبندی به رابطه مودت‌آمیز و عاشقانه با حاکم اسلامی (ولی)، زیربنای تمامی مناسبات سیاسی و امنیتی به‌شمار می‌آید. در نتیجه هرگونه آسیب‌پذیری ایمانی-بینشی در هندسه باوری-قلبی مردم می‌تواند آسیب‌پذیری در حوزه‌های امنیتی و سیاسی را به دنبال داشته باشد و موجودیت نظامی ولایی را به خطر بیندازد.

۴. اساسی‌ترین کارویژه فرقه‌ها، کارویژه «گریز از مرکز»ی آنها است که منجر به انقطاع تعهد قلبی و عملی به منظومه ارزشی مرجع می‌شود و گسستن زنجیره مودت و محبت میان امت و توده‌ها با مرکزیت نظام سیاسی (ولی) را به دنبال دارد. درحقیقت، جداسازی افراد جامعه از

منظومه ایمانی حاکم بر جامعه و نیز شخص ولی، از مهم‌ترین خروجی‌های فرقه‌گرایی است که به پیدایش جزیره‌های متشتت ایمانی و گروه‌های متکثر اعتقادی و در نتیجه برهم خوردن امنیت اجتماعی می‌انجامد.

۵. با توجه به نکات یادشده و نشان دادن کیفیت تعارض و تضاد دو ساختار نظام ولایی و فرقه‌گرایی می‌توان چنین ادعا کرد که نفس پیدایش فرقه‌ها در نظام‌های کمال‌گرا و سعادت‌محور، خود بنیادی‌ترین چالش امنیتی به‌شمار می‌آید. در نتیجه، سایر برون‌دادها و خروجی‌های ضدامنیتی فرقه‌گرایی فرع بر چالش یادشده است و ذاتاً با سرشت فرقه‌گرایی التزامی نخواهد داشت.

۶. مقابله با فرقه‌گرایی و کارویژه‌های آن را باید مهم‌ترین مأموریت امنیتی نظام سیاسی ولایی معرفی کرد؛ به بیان دیگر، اگر فرقه‌گرایی، ضدامنیتی‌ترین پدیده برای یک بازیگر سیاسی پنداشته شود، در نتیجه مقابله با آن، کارویژه و پیامدهایش نیز باید به‌مثابه حیاتی‌ترین آرمان و هدف امنیتی نظام‌های ولایی در نظر گرفته شود.

۷. سرمایه‌گذاری بر ترویج فرهنگ ایمانی-اسلامی و تقویت بنیه‌های فکری و نیز جهت‌دهی به گرایشات قلبی مردم منجر به پاسداشت و حراست از مرزهای هویتی و ادراکی جامعه و در نتیجه خنثی‌سازی و به چالش کشیده شدن فرایندهای فرقه‌گرایانه خواهد شد؛ از این رو، کارویژه فرهنگی باید در صدر اولویت‌های نظام ولایی قرار گیرد و دیگر حوزه‌های حاکمیتی همچون سیاست، اقتصاد و امنیت بر مبنای آن بازتعریف شوند. طبیعتاً غلبه و جوه یادشده بر عنصر فرهنگ و منظومه بینشی-ایمانی مردم می‌تواند تبعات و مخاطرات جدی برای موجودیت نظام ولایی در پی داشته باشد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه رازی. ۱۳۸۱. تهذیب الاخلاق و تطهیر الأعراق. ترجمه علی اصغر حلبی. تهران. اساطیر.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۰ ق. رسایل ابن سینا. قم. بیدار.
۴. افلاطون. ۱۳۸۶. جمهور. ترجمه فؤاد روحانی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ یازدهم.
۵. جمعی از نویسندگان. ۱۳۷۷. درسنامه فلسفه حقوق. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ دوم.
۶. دوانی، محمدبن اسعد. ۱۳۹۱. اخلاق جلالی. ترجمه و تصحیح عبدالله مسعودی آرانی. تهران. اطلاعات.
۷. سیدرضی، ۱۳۸۹. نهج البلاغه. ترجمه حسین انصاریان. تهران. پیام آزادی. چاپ هفتم.
۸. شمس‌الدین آملی، محمد بن محمود. ۱۳۸۱. نفائس الفنون فی عرائس العیون. با تحقیق ابوالحسن شعرانی. تهران. انتشارات اسلامیه.
۹. طباطبایی. سیدمحمدحسین. ۱۴۱۷ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱۳. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. طوسی، محمدبن محمدبن حسن. ۱۳۵۶. اخلاق ناصری. تهران. خوارزمی. چاپ اول.
۱۱. عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر. ۱۳۶۳. لمعات. مقدمه و تصحیح محمد خواجوی. تهران. مولی.
۱۲. فارابی، ابونصر محمد. بی تا. رساله فی أعضاء الحيوان. تحقیق دکتر عبدالرحمن بدوی. بیروت. دارالاندلس.
۱۳. \_\_\_\_\_ ۱۳۶۴. فصول منتزعه. حَقِّقه و قدَّم له و علَّق علیه: الدكتور فوزی متری نجار. تهران. مکتبه الزهراء. الطبعة الثانية.
۱۴. قاضی زاده کرمانی، فرناز. ۱۳۷۶. اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران. دانشگاه الزهراء.
۱۵. فرهنگ لغت دهخدا.
۱۶. فرهنگ لغت عمید.
۱۷. فرهنگ لغت معین.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۷۵. میزان الحکمه. تهران. دارالحدیث.

۱۹. محی‌الدین ابن عربی. ۱۴۰۰ق. **فصوص الحکم**. تصحیح ابوالعلاء عقیلی. بیروت. دارالکتاب العربی.
۲۰. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۲ق. **الحب و المحبة الالهية**. گردآوری و تألیف محمود محمود الغراب. دمشق. الکاتب العربی. الطبعة الثانية.
۲۱. سهروردی، یحیی بن حبش. ۱۳۸۰. **مجموعه مصنفات شیخ اشراق (شهاب‌الدین یحیی سهروردی)**. به کوشش سید حسین نصر. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
22. Blackaby, Henry. T ؛Blackaby, Richard. . 2001 **Nashville**. Tenn. Broadman & Holman Publishers.
23. Burke, Clarrie. 2011. **Loyalty in our time :does loyalty matter any-more?**. Durham. Conn: Strategic Book Group.
24. Dowdle, Michael D.2006 . **Public accountability: designs, dilemmas and experiences**. Cambridge: Cambridge University Press.
25. Gallagher, Eugene V. 2004. **The new religious movements experience in America**. Westport, Conn: Greenwood Press.
26. Gwen Lopitz, Candy. 2011. **Spiritual Battery: Hope for Cult Casualties- Help for Those Assisting Their Recovery**. USA: Xulon Press.
27. Heng, Michael S H؛ Chin Liew Ten. 2010. **State and secularism :perspectives from Asia**. New Jersey: World Scientific.
28. Jones, Dantalion. 2008. **Cult Control: The Bilding of a Cult**. USA: Dantalion Joness.
29. Kushner, Howard I. 1991. **American suicide :a psychocultural exploration**. New Brunswick :Rutgers University Press.
30. Kushner, Howard I. 1991. **American suicide :a psychocultural exploration**. New Brunswick : Rutgers University Press.
31. Leo, Strauss. 1959. **What is political philosophy? and other studies**. Glencoe. Ill. Free Press.
32. Leo Ryan, Hon, 1977. **“the effects of some religious cults on the health and welfare of their converts”**. USA: Extensions of Remarks (the United States Congressional Record on November 3. Vol. 123 Part 29, No. 181. November 4.
33. Lewis, James R. 2011. **Violence and new religious movements**. Oxford: New York : Oxford University Press.

34. **Merriam Webster Online Dictionary.**
35. **Oxford Advanced Learner's Dictionary.** 2006. seventh edition. Oxford University Press.
36. Rush, Michael. 1992. **Politics and society :an introduction to political sociology.** New York :Prentice Hall.
37. Saliba, John A. 2003. **Understanding new religious movements.** USA: AltaMira Press.
38. Singer, Margaret Thaler؛ Janja Lalich. 1994. **Cults in our midst : the hidden menace in our everyday life.** San Francisco :Jossey-Bass Publishers.
39. Singer, Margaret Thaler. 2003. **Cults in our midst :the continuing fight against their hidden menace.** San Francisco: Calif. Jossey-Bass.
40. Snow, Robert L. 2003. **Deadly cults :the crimes of true believers.** Westport. Conn. :Praeger.
41. Swearingen, James R. 2006. **Biodefense: research methodology and animal models.** Boca Raton :Taylor & Francis.
42. Wade, Carole؛ Tavis,Carol. 2000. **Psychology.** USA: Upper Saddle River, NJ : Prentice Hall.

